

پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن

غلام حیدر کوشا*

چکیده

«سنت‌ها» دست‌کم از چهار حیث موضوع، عاملان، آثار، اهداف «اجتماعی» خوانده می‌شوند. مطالعه روشمند سنت‌ها هم ما را به طرح یک نظریه دینی در جامعه‌شناسی دلگرم می‌کند و هم در کنترل جامعه و رخدادهای اجتماعی مدد می‌رساند و هم دسترسی به مدینه فاضله دینی را آسان‌تر می‌سازد.

روش مطالعه سنت باید هم با تفسیرهای قرآنی همسو باشد و هم با الگوهای روشی متعارف در علوم اجتماعی. کیفی بودن مفاهیم و متغیرهای سنت، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های مطالعه کیفی و نیز غیبی، ماورایی و متکی بودن بر متون دینی، اقتضای روش «تحلیل محتوی»، به خصوص «تحلیل ساختاری» است. در تحلیل ساختاری ارائه یک چارچوب انتزاعی ضروری است. از این رو برای مطالعه سنت چارچوبی مناسب است که اولاً، حضور خداوند در سلسله علل را توجیه کند و ثانیاً، فعال بودن اراده انسان را نیز مورد توجه قرار دهد، ثالثاً، به رابطه علی میان دو پدیده توجه کند و رابعاً، میکانیسم‌های تحقق سنت را جستجو نماید. همچنین انتزاعی بودن مفاهیم سنت، مفهوم‌سازی آنها را ضرورت می‌بخشد؛ مفهوم‌سازی به معنای تجزیه مفاهیم از سطح انتزاعی به سطح عینی و مشاهده پذیر است. مفهوم‌سازی قرآنی بهترین روش برای مفهوم‌سازی مفاهیم سنت‌ها است.

کلید واژه‌ها: سنت، سنت‌های اجتماعی، سنت‌های الهی، تحلیل محتوی، تحلیل ساختاری، سازوکار علی

مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایت است. همه تر و خشک عالم در آن بیان شده است. قرآن در آیات بسیاری سخن از سنت‌های پایدار، ثابت و تحویل ناپذیر به میان آورده و مخاطبان خود را به تفکر در سنن الهی دعوت می‌کند تا با این کار، به سمت صلاح و رستگاری هدایت شوند. بحث سنت‌ها در قرآن، پژوهشگران علوم اجتماعی، به‌خصوص محققان جامعه‌شناسی را به خود دلگرم ساخته است. از این‌رو، بسیاری در صدد برآمده‌اند تا در حاشیه مباحث قرآنی، سنت‌های اجتماعی را بحث نمایند و راه را برای مطالعه دینی هموار سازند. نوشته‌ها و تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است، اما آنچه که در اغلب نوشته‌ها جای آن خالی است؛ توجه به مطالعه روشمند سنت‌ها است؛ زیرا اغلب آنها صرفاً با روش تفسیری نگاشته شده و به محورهای اجتماعی توجه نکرده است آن دسته از نوشته‌ها، که به محورهای اجتماعی سنت توجه کرده اند، از ارائه و طرح روشی که هم با تفسیر قرآن سازگار باشد و هم با روش‌های مطرح در علوم اجتماعی قطع رابطه نکند، دریغ و یا غفلت ورزیده‌اند. بدین منظور، این مقاله در صدد است که در حد وسع، به خلاء روشی در سنت‌های اجتماعی در قرآن توجه کرده و چارچوبی را برای مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن طرح و جزئیات و عناصر آن را بیان نماید.

تعریف سنت و سنت اجتماعی

«سنت» در لغت به معنای طریق، سیره و شریعت آمده است.^۱ این اصطلاح در علوم گوناگون به معانی مختلفی به کار رفته است. سنت در علم اصول فقه به معنای فعل قول و تقریر یکی از معصومان علیهم‌السلام،^۲ و در فقه و برخی احادیث فقهی، سنت یکی از احکام خمس مرادف استحباب به کار می‌رود.^۳ مفسران، سنت را به معنای عادتواره (الگوی رفتار پایدار)^۴ به کار برده‌اند. سنت در علوم اجتماعی به معنای رفتاری است که همواره وجود داشته و بر اثر ممارست‌های طولانی در افراد ریشه دوانیده باشد.^۵ مفهوم «سنت» در کاربرد دینی و قرآنی، به معنای ضوابط موجود در رفتار الهی و روش‌های تدبیر امور عالم از سوی خداوند،^۶ و مرادف «دین» و «شریعت» و یا اراده تشریحی خداوند آمده است. این واژه، در تحقیق پیش‌رو به معنای «قوانین ثابت و لایتغیر حاکم بر پدیده‌ها (طبیعی، اجتماعی و فردی) در عرصه‌های گوناگون تکوین و تشریح» می‌باشد.

«سنت اجتماعی»^۷ در اصطلاح جامعه‌شناختی رفتاری است که بر اثر تکرار فراوان فراهم آمده و به صورت دقیق و معتبر از دیرباز به جا مانده باشد.^۸ سنت اجتماعی از منظر قرآنی، گاهی به معنای قوانین جاری شده بر همه مردم، چه مؤمنان و چه غیر مؤمنان آمده است.^{۱۰} گاهی نیز به معنای رفتاری لحاظ شده است که جنبه اجتماعی داشته و در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی تاثیرگذار باشد.^{۱۱}

لازم به یادآوری است که سنت از جهات گوناگون قابل اتصاف به وصف اجتماعی بودن است. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، سنت دست‌کم از چهار حیث می‌تواند اجتماعی باشد: از حیث موضوع، کنشگر، اهداف و آثار و پیامدها با توجه به آنچه گذشت و تعریفی که از سنت ارائه شد، می‌توان گفت: سنت اجتماعی رابطه‌ای تأثیر و تأثر ثابت و پایدار میان دو پدیده‌ای است که براساس یکی از وجوه چهارگانه با زندگی اجتماعی انسان‌ها در ارتباط باشد.

ضرورت مطالعه نظام مند سنت‌های اجتماعی در قرآن

تاکنون مطالعات فراوانی در سنت‌های اجتماعی انجام شده است. در بسیاری از این نوشته‌ها، سعی شده است که سنت‌های اجتماعی تحت عنوان یکی از سنت‌های عام بازخوانی شود. اما آنچه که در اغلب این تحقیقات خالی است، این است که در تحقیقات مذکور نه سخنی از یک الگوی مشخص و نظام‌مند به میان آمده است و نه خود مطالعات براساس یک الگوی روشی منظمی انجام شده است. از این‌رو، مطالعات ناظر بر سنت‌های اجتماعی گاهی صرفاً با رویکرد تفسیری انجام شده و کمتر توجهی به جوانب اجتماعی آن نشده است. در برخی موارد هم که جوانب اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته، از ارائه چارچوبی که بتوان براساس آن همه سنت‌های اجتماعی را مورد تحقیق و بررسی قرار داد، غفلت شده است.

از این‌رو، ضروری است که الگویی برای مطالعه سنت‌های اجتماعی در نظر گرفته شود که هم به جوانب تفسیری سنت‌ها توجه کند و هم سنت‌ها را از دیگر پدیده‌های اجتماعی جدا ساخته و با هم آنها را روش‌های مطرح در مطالعه پدیده‌های اجتماعی مطالعه نماید.

آثار مطالعه سنت‌های اجتماعی

مطالعه روشمند سنت‌های اجتماعی آثار علمی و عملی فراوان به همراه خواهد داشت. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. امکان طرح جامعه‌شناسی دینی

یکی از دغدغه‌های همیشگی اندیشمندان اجتماعی، مسلمان این بوده است که علوم اجتماعی از جمله علم جامعه‌شناسی را از چشم انداز دینی مطالعه کنند. یکی از راه‌ها و یا تنها راه مطمئن برای ارائه جامعه‌شناسی دینی، بحث سنت‌های اجتماعی در قرآن است؛ زیرا در متون دینی از جمله آنجا که مبانی فلسفی مباحث اجتماعی یا بحث‌های جامعه‌شناختی، از جمله قانونمندی جامعه و روابط علی و معلولی پدیده‌های اجتماعی، تغییرات سطح کلان اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی و نظام کنترل اجتماعی، از جمله سنت ابتلاء، عبرت، امهال و هدایت را تحت پوشش قرار داده است، بحث «سنت‌ها» است.

۲. امکان تحت کنترل قرار دادن رخدادهای اجتماعی

هدف اصلی مباحث جامعه‌شناختی، شناخت علل، عوامل، آثار و پیامدهای پدیده‌ها و رخدادهایی است که در حاشیه زندگی اجتماعی افراد به وقوع می‌پیوندد. با شناسایی علل و آثار آنها، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و تحت کنترل قراردادن رخدادهای، و حوادث و مسایل اجتماعی فراهم خواهد شد. بررسی سنت‌های اجتماعی ما را قادر می‌سازد تا قوانین و نظام حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده و با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی روند آنها را پیش‌بینی کنیم. همچنین قادر خواهیم بود رخدادهای اجتماعی را تحت کنترل درآوریم.

۳. اصلاح جامعه

آیات قرآن کریم تصریح دارد که هدف از ذکر سنت، اصلاح و هدایت جامعه است. در آیه ۱۳۷ و ۱۳۸ سوره آل عمران^{۱۳} این مسئله به خوبی بیان گردیده است. در این دو آیه، ضمن توجه به سنت الهی، سیر در سنت‌ها، زمینه‌ساز اصلاح و هدایت انسان‌ها بیان شده است. از آنجایی که سنت‌های اجتماعی بخشی از حوزه‌های مباحث جامعه‌شناختی از جمله تبیین انحرافات اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد، روشن است که دسترسی بدین مهم، گامی اساسی در اصلاح جامعه و هدایت آن به رستگاری و مدینه فاضله دینی خواهد بود. از این‌رو، برخی، شناختن سنت‌ها و قوانینی را که در سایه آن جامعه اسلامی بتواند راه صلاح را از فساد تشخیص داده و به آرمان‌های اسلامی در زندگی اجتماعی نزدیک شود، واجب شمرده‌اند.^{۱۴}

وجه اجتماعی بودن سنت

سنت‌های اجتماعی حیث‌های مختلفی دارد: گاهی سنت‌ها ناظر بر طبیعت است و گاهی ناظر بر فرد و گاهی هم ناظر بر زندگی اجتماعی انسان‌ها. در بسیار از موارد، سیاق و ظاهر آیات به خوبی گویای نوع سنت نیست. با این وصف، شناخت وجوه اجتماعی بودن سنت و مشخص کردن معیاری برای تفکیک سنت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. سنت، دست‌کم از چهار وجه می‌تواند اجتماعی باشد.

موضوع

سنت‌های ذکر شده در قرآن کریم ممکن است به لحاظ موضوع اجتماعی باشد. «موضوع اجتماعی»^{۱۵} (رویداد، اندیشه یا وضعیتی است که بر اثر هنجارهای یک گروه یا یک جامعه معین معنای مشخصی پیدا کرده و انسان‌ها بر محور آن کنش متقابل انجام می‌دهند).^{۱۶} از این‌رو، آیاتی که از رویداد تاریخی و اجتماعی سخن می‌رانند و قوانینی الهی را ناظر به رخدادهای اجتماعی بیان می‌کنند، به سنت‌های اجتماعی مربوط‌اند. همچنین رفتارها، اندیشه‌ها و تجربه‌های متأثر از هنجارهای اجتماعی، ذیل سنت‌های اجتماعی مورد کاوش قرار می‌گیرند.

بنابراین، آیاتی حاکی از عذاب الهی نازل شده بر اصحاب فیل و مجرمان،^۷ لجرم به عنوان تعدی از هنجارهای دینی حاکم بر جامعه، مصداقی از مصادیق سنن الهی است.

کنشگران

گاهی عملی که انجام می‌شود، فی نفسه عملی فردی است، اما به این لحاظ جنبه اجتماعی پیدا می‌کند که بیشتر مردم به صورت همسو بدان عمل دست می‌زنند. چنین عملی در مطالعات اجتماعی، «رفتار جمعی»^۸ نامیده می‌شود؛ رفتار جمعی رفتاری است عاطفی که بر اثر وضع و حادثه‌ای از شخص یا اشخاص سر می‌زند و بر اثر واگیری اجتماعی به دیگران سرایت کرده و در نتیجه، گروهی از افراد به صورت همسو و متجانس عمل می‌کنند.^۹ بنابراین، هنگامی که در قرآن کریم سخن از اعمالی به میان می‌آید که جمعی از افراد با تأثیرپذیری از عاطفه و غرایز شخصی به صورت همسو بدان عمل می‌کنند و چنین رفتاری مستلزم آثار وضعی و پیامدهای معطوف به زندگی اجتماعی آنان باشد، در ذیل «سنت‌های اجتماعی» قابل بحث خواهد بود. برای مثال، می‌توان رفتار قوم لوط را بیان کرد. براساس آیات ۶۶ تا ۷۴ سوره حجر، قوم لوط به رفتار غیراخلاقی عادت کرده بودند که خداوند عذاب دردناکی، که از آن به عنوان «صیحه» یاد می‌کند، بر آنان فرود آورده و آنان را نابود می‌کند. نکته مورد توجه این است که عذاب الهی نتیجه رفتاری بوده است که قوم لوط به صورت جمعی بدان دست می‌زدند.

آثار و پیامدهای رفتار

سومین وجهی که می‌توان برای اجتماعی بودن سنت‌ها بیان کرد، آثار و پیامدهای اجتماعی رفتار است. در این وجه تأکید بر این است که اگر رفتاری هرچند فردی و بیولوژیک، آثاری به همراه داشت که آثار آن فراتر از فرد بوده و یا بر زندگی اجتماعی افراد اثر گذار بود، تحت عنوان «سنت‌های اجتماعی» قرار می‌گیرد. مرحوم شهید صدر در باره اجتماعی بودن سنت‌ها، بعد از اینکه می‌پذیرند که سنت‌هایی را می‌توان اجتماعی دانست که جنبه اجتماعی داشته باشد، می‌فرمایند: «کاری جنبه اجتماعی دارد که موج ایجاد کند، موجی که از فاعل درگذرد و زمینه‌اش سطح جامعه را در برگیرد.»^{۱۰} ایجاد موج اجتماعی به معنای تاثیرات شگرف رفتار بر زندگی جمعی افراد است. از این‌رو، در مطالعه سنت توجه به این مسئله ضروری است که یک رفتار چه مقدار بر زندگی جمعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. برای مثال، در آیه‌های «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) و «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ» (هود: ۵۲) و «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴) ایمان، تقوی، استغفار و دوری از ذکر

خداوند رفتار کاملاً شخصی و درونی است، اما از آن رو که رفتار مذکور آثاری دارد، مربوط به زندگی بسیاری از افراد جامعه، مورد بحث سنت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. پیامدهای منسوب به زندگی جمعی، ایمان و تقوی و استغفار و دوری از ذکر خدا در خود آیات به عنوان پیامد رفتار اشاره شده است. نزول برکات، فراوانی روزی، مشکلات و مسائل زندگی از جمله اموری هستند که اگر جامعه اشاعه پیدا کند، شامل همه افراد جامعه می‌گردد.

اهداف اجتماعی

رفتار انسان‌ها، اعم از فردی و یا اجتماعی هدفمند است. هدفمندی رفتار انسان، که در فلسفه اسلامی تحت عنوان «علت‌غایی» بحث شده است، بدین معنا است که افعال اختیاری انسان‌ها مسبوق به تصور ذهنی غایت و هدفی است که انسان‌ها با انجام فعل، قصد رسیدن به آن را دارد. اگر جامعه شناسی نیز یکی از انگاره‌ها در مورد رفتار اجتماعی انسان، این است که رفتار اجتماعی رفتاری است که به سمت دیگران (دیگر افراد جامعه) جهت‌گیری شده باشد.^{۲۲} براساس این انگاره، نه تنها رفتار بیرونی افراد بلکه گرایش‌های ذهنی و درونی افراد، اگر جهت‌گیری اجتماعی داشته باشد، رفتار «اجتماعی» تلقی می‌شود.

بنابراین، اگر آیات حاکی از رفتاری باشد که معطوف به اهداف اجتماعی و یا جهت‌گیری شده به سمت دیگران اجتماعی باشد، جزو سنت‌های اجتماعی قرآن به شمار می‌رود. برای مثال، آیه‌های ۱۰ الی ۱۳ سوره مبارکه فجر در اصل حاکی از عذابی است که بر قوم عاد، ثمود و فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام نازل شده است. رفتار فرعون به عنوان یک فرد، نمی‌تواند اجتماعی باشد، اما از این جهت که عذاب برخاسته از رفتار طغیانگرانه و گسترش دهنده فساد او است، می‌تواند حامل یکی از سنت‌های اجتماعی باشد. وجه اجتماعی بودن «سنت» ذکر شده در آیات مذکور، این است که «طغیانگری» و «اشاعه فساد» از سوی فرعون با انگیزه و معطوف به هدف اجتماعی صورت گرفته است. هدف اجتماعی که رفتار طغیانگرانه و گسترش دهنده فساد به سوی آن جهت‌گیری شده است، «تسلط بر دیگران» و «زیرپا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی اعتقادی حاکم بر جامعه» است.

انواع سنت‌های اجتماعی

محققان برای سنت‌های مذکور در قرآن تقسیمات گوناگونی ذکر کرده اند، تقسیم سنت‌ها به دنیوی و اخروی، مطلق و مقید، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و... اما با توجه به اینکه در این مقاله نگاه روش‌شناختی به سنت منظور است، صرفاً تقسیم‌بندی‌هایی ذکر می‌شود که بعد روش‌شناختی داشته و یا به نگاه روش‌شناختی به سنت کمک کنند. از لحاظ روشی می‌توان

سنت‌های اجتماعی را به «سنت‌های منصوص و استنباطی»، «سنت‌های نخستین و ثانوی» و «سنت‌های اجباری و اختیاری» تقسیم کرد.

سنت‌های منصوص و استنباطی

تقسیم بندی سنت به منصوص و استنباطی به لحاظ شیوه ذکر آن در قرآن کریم صورت می‌گیرد. سنت‌های مستفاد از آیات شریفه قرآن کریم از لحاظ شیوه ذکر آنها دو گونه است؛ گاهی سنت به‌گونه‌ای است که در ضمن یک آیه از آیات قرآن کریم تصریح شده است. صراحت بیان سنت هم گاهی بدین صورت است که خود واژه «سنت» در آیه ذکر شده است و گاهی هم آیه به‌گونه‌ای است که رابطه‌ای علی میان دو پدیده در آیه به روشنی بیان شده است. در هر دو صورت، ما قادر خواهیم بود که با مطالعه آیه‌های مذکور، به فهم سنت دست یابیم. این نوع از سنت، نمونه‌های زیادی در قرآن کریم دارد که از آن جمله می‌توان به آیه‌های «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) و «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (انعام: ۶) و «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲) و «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح: ۲۳) و آیه‌های ۵۳ و ۲۵ انفال، ۹۶ و ۳۴ اعراف اشاره کرد.

نوع دیگر از سنت‌ها از حیث شیوه ذکر و نحوه استفاده، «سنت‌های استنباطی» است. در این نوع سنت، محقق نه با کلمه «سنت» در آیات روبرو است و نه رابطه‌ای علی و معلولی و یا تأثیر و تأثر را به روشنی می‌بیند، بلکه کشف سنت‌ها در این شکل سنت وابسته به مطالعه، شأن نزول آیات، زمینه‌های تاریخی و کنارهم چیدن آیات و حتی کمک گرفتن از روایات ناظر بر آیات حامل سنت می‌باشد. نمونه بارز این نوع سنت، آیات «سیر و عبرت» است. آیات بیانگر «سیر و عبرت» خود سنت نیستند، اما اگر با داده‌های تاریخی از سرنوشت اقوام پیشین ضمیمه گردند، و یا از آیات هلاکت اقوام گذشته و عذاب امت‌های پیامبران سابق به عنوان تفسیر آیات سیر و عبرت استفاده شود، آیات سیر و عبرت بیانگر سنتی از سنت‌های الهی خواهد بود و ما قادر خواهیم بود از مجموع آیات سیر و نظر قوانین عام و جهان‌شمولی را به‌دست آوریم.

سنت‌های نخستین و ثانوی

تقسیم بندی دیگری که شناخت آن در مطالعه روشمند سنت‌ها اثر گذار است، تقسیم سنت به نخستین و ثانوی است. سنت‌هایی که در ضمن آیات شریفه قرآن کریم بیان شده است، از حیث

موضوع دو گونه‌اند: گاهی موضوع آیات ناظر بر سنت، مسئله و رخداد اجتماعی و تاریخی و یا آثار مترتب بر نوع رفتار فردی و اجتماعی و یا آثار عام معطوف به صفات نفسانی است و گاهی هم موضوع آیات حامل سنت، خود سنت است. به بیان دیگر، آیات سنت گاهی شناخت درجه یک از سنت به ما می‌دهد؛ یعنی بیان می‌کند میان رفتار اجتماعی خاص، به عنوان یک پدیده و پیامدهای خاص اجتماعی، به عنوان پدیده دیگر ارتباط وجود دارد. و گاهی هم آیات سنت، شناخت درجه دوم از سنت در اختیار ما قرار می‌دهد؛ یعنی مشخص می‌کند که سنت چیست؟ چه خصوصیتی دارد؟ برد سنت از حیث قلمرو تأثیر تا چه اندازه هست؟ نوع دوم نیز سنت است و به حیث قانون عام در قرآن یاد شده است. اما تفاوت آن در این است که نگاه در این نوع سنت، یک نگاه مبنایی و موضوعی است، نه مصداقی. ما برای سنت ناظر بر مصداق، اصطلاح «سنت نخستین» و برای سنت ناظر بر موضوع اصطلاح «سنت ثانوی» را برگزیدیم.

شواهدی قرآنی فراوانی برای هر دو نوع سنت وجود دارد؛ یک مرتبه در آیات اشاره می‌شود که تقوی باعث وفور نعمت و نزول برکات آسمانی و زمینی می‌گردد. (اعراف: ۹۶) و یا اینکه حق استوار و باطل نابود شدنی است. ^۵ همچنین اینکه کفران نعمت‌های الهی موجب فقر و اضطراب در جامعه می‌گردد. ^۵ ذکر آیات ذکر شده و آیات مشابه دیگر، غرض این است که رابطه منطقی میان دو امر مرتبط با زندگی جمعی انسان‌ها بیان گردد. ولی گاهی هم آیات در صدد ذکر وجود و یا یکی از خصوصیات سنت‌های الهی است. مثل آیه «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (نساء: ۲۶) که بیانگر تحقق سنت در گذشته، و آیه ۷۷ سوره مبارکه اسراء، که حاکی از فراگیری و جهان‌شمولی سنت‌ها است. ^۵ همچنین آیه ۲۳ سوره مبارکه فتح، که سخن از تبدیل ناپذیری سنت‌ها به میان آورده است. ^۵ جهان‌شمولی و تبدیل‌ناپذیری سنت، خود سنتی از سنت‌های الهی است اما سنتی است که قانونمندی خود سنت را بیان می‌کند، نه قانونمندی پدیده‌های خاص اجتماعی و غیر اجتماعی را.

سنت‌های اختیاری و اجباری

سومین دسته‌بندی مؤثر بر مطالعه سنت‌های اجتماعی، تقسیم سنت به «سنت اختیاری» و «سنت اجباری» است. سنت اختیاری آن دسته از سنت‌های ذکر شده در قرآن را تحت پوشش قرار می‌دهد که انسان‌ها می‌توانند در تحقق و عدم تحقق آن نقش داشته باشند. در سنت اختیاری، اراده انسان فعال است و تلاش می‌کند با تغییر و تحول در پدیده‌های علی، پدیده‌های معلولی را دچار تغییر سازد. نمونه سنت اختیاری، سنت‌هایی است که به صورت قضیه شرطیه در قرآن بیان شده است. ^۵ قضایای شرطیه ارتباط دو رخداد اجتماعی را بدین شکل بیان می‌کند که اگر رخداد اول تحقق یافت، تحقق رخداد دوم حتمی است. از سوی دیگر، انسان‌ها

می‌تواند با تحت کنترل قرار دادن رخداد اول، تحقق رخداد دوم را سرعت ببخشند یا به تأخیر انداخته و یا حتی کاملاً منتفی سازند.^{۲۹}

دسته دوم، سنت‌هایی است که تحت اراده انسان‌ها نیست و اراده انسان‌ها در قبال چنین سنی منفعل است. برخی، قوانین بیولوژیک ذکر شده در قرآن را نظیر رشد، تولد و مرگ انسان‌ها از این قبیل برشمرده‌اند. از این‌رو، آیه «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴) و آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» (مائده: ۲) اگر ناظر به مرگ فیزیولوژیک باشد، حاکی از سنت اجباری خواهد بود. ذکر این دسته‌بندی به این دلیل ضرورت است که مطالعه سنت‌ها، به منظور به دست آوردن قوانین حاکم بر جامعه و تحت کنترل قرار دادن آن و همچنین ارائه راهکارهای عملیاتی برای مدیریت بهتر جامعه انسانی، وقتی میسر است که محور مطالعات ما، سنت‌هایی باشد که انسان بتواند در تحقق آن اثر بگذارد و نتایج مترتب بر رفتار را با تغییر در الگوی رفتار متحول سازد.

الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن

در اینکه چگونه باید پدیده‌های اجتماعی را مطالعه کرد، اختلاف نظر وجود دارد: برخی به علاقه‌مند روش‌های «کمی» هستند. در مقابل، برخی دیگر روش‌های «کیفی» را مناسب می‌دانند. به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی، کمی یا کیفی بودن روش تابع موضوع، مفاهیم و متغیرهای است که پژوهشگران درصدد مطالعه آن برمی‌آیند. موضوعات، مفاهیم و متغیرهای تاریخی، روش خالی خود را دارد و گرایش‌های سیاسی شیوه مناسب خود را و میزان جمعیت یک کشور، شهر و یا یک محله و همچنین میزان درآمد خانوارهای یک روستا، روش متناسب با خود را.

متغیرها و مفاهیم کیفی در سنت

متغیرها و مفاهیمی را که سنت‌های اجتماعی در قرآن در خود جای داده‌اند به خصوص مفاهیم و متغیرهایی که در جایگاه علت قرار گرفته‌اند، بیشتر کیفی‌اند. «متغیر کیفی» شامل صفات، گرایش‌ها، بینش‌ها و علایقی است که قابل اندازه‌گیری کمی نیستند. آذر آیات شریفه ناظر بر سنت‌های اجتماعی، «تقوی»، «فسق»، «ایمان»، «ظلم»، «کفران»، «طغیان»، «فساد»، «استغفار»، «حق» و «باطل»، که عموماً کیفی هستند، علل و عوامل آثار و پیامدهای خاص در زندگی انسان‌ها تلقی شده‌اند. البته برخی از مفاهیم و متغیرهایی که در جایگاه معلول قرار گرفته‌اند نیز کیفی‌اند؛ نظیر «رستگاری»، «خوف» و «عذاب».

سنت‌ها و روش تحلیل محتوی

برای مطالعه متغیرهای کیفی، روش مطالعه کیفی به کار گرفته می‌شود. «روش تحقیق کیفی»^{۳۳} به تکنیک‌ها و رویه‌های پژوهشی‌ای اشاره دارد که سعی می‌کنند پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی ما و چگونگی پرداختن به افکار، کنش‌ها و معانی ساخته شده در زندگی ما را فهم کند.^{۳۴} روش‌های کیفی در مطالعات تاریخی، مردم‌شناختی، پدیدارشناختی، علایق درونی افراد، گفتگوها و تحلیل شرح حال‌ها، نقش تعیین‌کننده بر عهده دارد. روش کیفی پژوهش‌های عمقی را تحت پوشش قرار می‌دهد و «می‌تواند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی بدست دهد که ارائه آنها به صورت کمی دشوار باشد».^{۳۵}

سنت‌های اجتماعی دو خصیصه روش‌شناختی دارد: این دو خصیصه به پژوهشگر سنت‌ها مدد می‌رساند که روش درست و مناسب را در مطالعات خود انتخاب کند. یکی از آن دو خصیصه «کیفی بودن» پدیده‌ها، متغیرها و اوصافی است که در سنت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. دیگر اینکه، مطالعه سنت‌ها وابسته به متون دینی است. مقتضای این دو خصوصیت این است که محقق سنت به روش تحلیل محتوی اقدام نماید؛ زیرا یکی از کاربردهای تحلیل محتوی شناخت، تفسیر و تأویل کتب مقدس دینی است.^{۳۶} همچنین تحلیل محتوی سبب می‌شود بعد ناپیدا، ذهنی، کیفی و عمیق مفاهیم و متون کشف و دسترس پذیر شود.^{۳۷} مفاهیم دینی از جمله مفاهیم حامل سنت‌ها، نیازمند مطالعه عمقی و اکتشافی است. از این‌رو، روش تحلیل محتوی، مناسب‌ترین روش برای مطالعه سنت‌ها خواهد بود.

تفسیر قرآن و روش تحلیل محتوی

یکی از نگرانی‌های احتمالی در مورد مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم این است که مطالعه سنت در چارچوب روش‌های متعارف در علوم اجتماعی، او را از دامن روش‌های مطرح در تفسیر قرآن جدا می‌سازد. درحالی‌که اصل بر این است که محقق در مطالعه و فهم آیات و محتوی قرآنی به روش‌های تفسیری وفادار بماند. «تفسیر» به عنوان یک دانش در حوزه مطالعات قرآنی به معنای « بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنها است»^{۳۸} طبق این تعریف، کشف معانی و مدلول‌های آیات، وظیفه اصلی و اساسی مفسر به شمار می‌رود. از این‌رو، برای پژوهشگر قرآنی شناخت و به کارگیری هرآنچه که در فهم بهتر آیات و رسیدن به اعماق پنهان کلام خداوند (ج) کمک کند، لازم و ضروری است.

روش تحلیل محتوی نسبت به سایر روش‌ها، انعطاف پذیرتر و با تفسیر به معنای مذکور همسوتر است؛ زیرا مطالعه سنت به روش تحلیل محتوی نه تنها سنت را از ریشه‌های قرآنی و تفسیری‌اش دور نمی‌کند، بلکه با تعمق بیشتر بر محتوی مفاهیم و آیات، فهم و تفسیر بهتر و عمیق‌تر آنها را امکان‌پذیر می‌سازد.

تحلیل ساختاری محتوی

یکی از گونه‌های تحلیل محتوی، «تحلیل‌های ساختاری»^{۴۱} است. در تحلیل‌های ساختاری، بیش از دیگر گونه‌های تحلیل محتوی سعی می‌شود وجوه و زوایای پنهان و غیرقابل درک متون و پیام‌ها آشکار و فهم شود. هدف از تحلیل ساختاری، آشکار ساختن اصولی است که گفتار را سازمان می‌دهد. این روش به محقق کمک می‌کند که گفتار را در قالب یک الگوی انتزاعی ساخت بخشیده و قابل فهم سازد.^{۴۱}

با توجه به خصوصیات ذکر شده در این روش، محقق سنت‌های اجتماعی در قرآن می‌بایست به نکاتی چند توجه نماید: اولاً، سنت‌های اجتماعی قوانینی است که از دل مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم قابل دستیابی است. رویاروی با انبوهی از آیات می‌طلبد که محقق به صورت ساختارمند بدانها توجه کرده و با کنارهم قرار دادن آیات و مقایسه محتوی آنها به این مهم دست یابد. ثانیاً، چنانکه در تقسیم بندی سنت‌ها ذکر شد، سنت‌ها یک سره منصوص نیستند، بلکه بخش قابل توجهی از آنها استنباطی هستند. استنباطی بودن سنت‌ها اقتضاء دارد که محقق با مطالعه الگومند و با کنارهم قراردادن منطقی آیات، قوانین مطوی در آیات را فهم و در اختیار علاقمندان معارف قرآنی قرار دهد. ثالثاً، برای دسترسی بهتر به نتایج مورد نظر آیات، سزاوار است محقق الگو و چارچوبی برای مطالعه آیات حامل سنت در نظر گیرد تا هم از تفسیر به رأی در امان بماند و هم نتایج به دست آمده از مطالعه سنت‌ها در محافل علمی مورد قبول قرار گیرد.

چارچوبی برای مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن

سنت‌های اجتماعی مستفاد از آیات شریفه قرآن، ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد. به همین دلیل، مطالعه جامعه شناختی سنت‌ها حیث منحصر به فرد پیدا می‌کند. یکی از خصوصیات سنت‌های اجتماعی مذکور در قرآن این است که هم حیث «الهی» دارد و هم جنبه «انسانی». عبارت‌های «سنة الله»،^{۴۲} «لسنتنا»،^{۴۳} (اسراء: ۷۷) «کلمة ربک»، غافر: ۶) «أهلکنا»^{۴۴} و «إذا اردنا»، (اسراء: ۱۶) نسبت سنت‌ها به خداوند متعال را برجسته می‌سازد. در حالیکه، عبارت‌های «ففسقوا فیها»،^{۴۵} «أحتی یغیروا ما بانفسهم» (انفال: ۵۳؛ رعد: ۱۱) و «بماکسبت ایدی الناس» (روم: ۴۱) نشانگر نقش انسان‌ها در تحقق سنت‌های اجتماعی است. ویژگی دیگر سنت‌ها این است که رابطه علی و معلولی پدیده‌ها را در ذیل سنت‌ها ابراز می‌دارد. این خصوصیت نشان می‌دهد که مطالعه سنت‌ها به روش متعارف در محافل علمی امکان پذیر است.

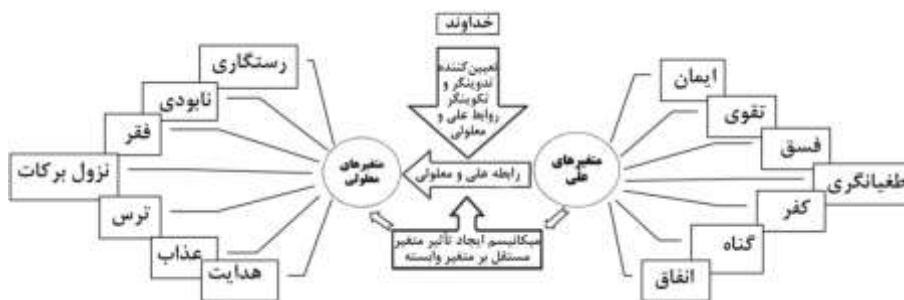
سومین خصوصیت این است که در بسیاری از آیات حامل سنت و یا آیاتی که جنبه

تفسیری برای آیات سنت دارد، سازوکارهایی پیش بینی شده است که سنت با عبور از آنها به منصفه بروز می‌رسد.

با توجه به ویژگی‌های ذکر شده و با توجه به اینکه غرض از مطالعه سنت‌ها، صرف شناخت تأثیر پدیده‌ها بر همدیگر و یا شناخت متغیرهای تأثیرگذار و تأثیر پذیر نیست، بلکه مقصود اصلی تحت کنترل قرار دادن جامعه و هدایت آن به سمت صلاح و مدینه فاضله دینی است، ضروری دارد که چارچوبی برای مطالعه سنت‌ها در نظر گرفته شود که هم به خصوصیات سنت‌های قرآنی توجه داشته و هم ظرفیت ارائه راهکارهای عملی و کاربردی برای مدیریت جامعه را در اختیار ما قرار دهد.

بدین منظور، به نظر می‌رسد چارچوب این هدف را برآورده سازد.

چارچوب مطالعه سنت‌های اجتماعی



جایگاه خداوند در سلسله علل

یکی از سئوال‌های اساسی در مطالعه سنت‌ها، جنبه ماورایی، غیبی و الهی آن است. سئوال این است که چگونه با پذیرش جنبه الهی سنت‌ها، مطالعه علمی آن میسر می‌گردد؟ و یا اگر قرار است سنت‌های اجتماعی به صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد، پذیرش الهی بودن آن چه توجیهی خواهد داشت؟ برای این سئوال پاسخ‌های مختلفی داده شده است. از جمله اینکه نسبت سنت به خداوند به معنای قرار دادن خداوند در جایگاه علل تأثیرگذار بر پدیده‌ها نیست، بلکه روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها متأثر از حکمت و حسن تدبیر خداوند متعال است.^{۴۵} یا اینکه نسبت سنت به خداوند، به دلیل تقویت گرایش و بینش الهی و توحیدی انسان‌ها است.^{۴۶} نهایتاً اینکه، الهی بودن سنت‌ها نافی قانونمندی و علیت نیست؛ زیرا اصل علیت، معلول بودن ممکن را بیان می‌کند و اراده خداوند هم علتی برای ممکنات است.^{۴۷}

متفکران اسلامی به برکت حکمت صدرایی، تئوری علل طولی را مطرح و براساس آن نقش خداوند، انسان و علل مادی را در تحقق پدیده‌ها توجیه کرده‌اند. طبق این نگرش، هم انسان و هم طبیعت و هم خداوند متعال می‌تواند در تحقق پدیده‌ی نقش داشته باشند، اما رابطه میان

علت‌ها رابطه طولی است نه عرضی؛ یعنی سایر علل در طول خداوند قرار دارند.^{۴۸} و خداوند علت نهایی تحقق پدیده‌ها است. به عبارت دیگر، خداوند تکوینگر و تدوینگر روابط علی میان پدیده‌ها است. به تعبیر مرحوم شهید مطهری «رابطه علت و معلول و اصل علیت، پایه تفکرات عقلایی است و خداوند آفریننده نظام علت و معلول است».^{۴۹}

نقش انسان در تحقق سنت

رابطه سنت‌ها با اراده و رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد تأکید آیات فراوان است. آیه‌های «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) نشان می‌دهد که سنت‌ها متأثر از رفتار و اراده انسانی است. این ادعا، که قانونمند بودن و الهی بودن سنت‌ها، با اختیار انسان قابل جمع نیست، قابل قبول نبوده و در جای خود رد شده است. اما به اجمال باید گفت که قرآن بسیاری از رخدادها را به خواست و نحوه عملکرد انسان‌ها مربوط می‌سازد و مقتضای عبرت و سیر و نظر، که در آیات تأکید شده است نیز مختار بودن انسان در قبال سنن است. علاوه بر این، چنانچه در تقسیم علل یادآوری شد، وقتی مطالعه سنت‌ها مفید، راهگشا و دارای آثار عملی و کاربردی است که نوع سنت اختیاری باشد.

سنت و رابطه علی-معلولی متغیرها

رخدادهای اجتماعی و تاریخی تصادفی به وجود نمی‌آیند، بلکه از قانون علی و معلولی پیروی می‌کنند. البته ممکن است رخدادهای اجتماعی معلول علی باشد که گاهی از چشمان افراد عادی مخفی می‌ماند و همین امر سبب شود که رخدادی تصادفی و بدون علت معین و مشخص پنداشته شود. اما این مسئله خللی به قانونمندی جامعه وارد نمی‌کند. پیروی جامعه از قانون علیت، که مورد قبول بسیاری از فلاسفه و متفکران است، در جای خود اثبات شده است. اما اصل علیت در جامعه را به عنوان یک پیش‌فرض می‌پذیریم. اما به تناسب نوشته حاضر به شیوه‌های بیان رابطه علی و معلولی در قرآن می‌پردازیم. باتوجه به آیات شریفه قرآن کریم روشن می‌گردد که رابطه علی و معلولی میان دو متغیر به صورت‌های زیر بیان شده است:

جمله شرطیه

گاهی رابطه علی و معلولی میان دو پدیده به صورت قضیه شرطیه بیان شده است. در قضایای شرطیه تحقق جزا، که حکم معلول را دارد، منوط به تحقق شرط، که حکم علت را دارد، است. استفاده از قالب جمله شرطی برای گزاره‌ها و قوانین علمی و طبیعی نیز در میان دانشمندان متداول است. برای مثال نقطه جوش آب در صد درجه به صورت قضیه شرطیه چنین بیان

می‌شود: «اگر آب، صد درجه حرارت داده شود، به جوش می‌آید». خداوند متعال در آیات نیز از همین الگو استفاده نموده و رخدادهای زیادی را در قالب جمله شرطیه به عللش نسبت داده است. از برای نمونه، خداوند نزول برکات را مشروط به ایمان و تقوی معرفی می‌نمایند و می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (اعراف: ۹۶) یعنی اگر ساکنان آن شهر ایمان آورده بودند و تقوی پیشه ساخته بودند، ما برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. همچنین در آیه ۷۱ مؤمنون، فساد زمین و آسمان را مشروط به پیروی از هواهای نفسانی طرفداران حق می‌سازد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «لَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ (انعام: ۱۶۵) اگر اهل حق دنبال هواهای نفسانی بودند زمین و آسمان فاسد شده بود. در هر دو آیه، نزول برکات و فساد زمین و آسمان به ایمان و تقوی و پیروی از هواهای نفسانی مشروط شده است.

جمله تعلیلیه

گاهی خداوند از تحقق پدیده‌ای خبر می‌دهد و در کنارش علت آن را نیز ذکر می‌فرماید. در این گونه موارد، علت و معلول در یک جمله در کنار هم ذکر می‌شوند. برای مثال، آیه «رَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (زخرف: ۳۲) دلیل اختلاف موقعیتی افراد امتحان آنها ذکر شده است. و همچنین در آیه «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (زخرف: ۳۲) انگیزه تسخیر، علت اختلاف درجه و موقعیت افراد ذکر شده است. در دو آیه فوق، خداوند متعال سخن از پدیده کاملاً اجتماعی - اختلاف موقعیتی - سخن به میان آورده و علت آن را نیز ذکر فرموده‌اند.

جمله تفریعیه

در برخی از آیات قرآن وابستگی یک پدیده به پدیده دیگر با «فاء تفریع» بیان شده است. برخی از آیاتی، که بیانگر سنت‌های اجتماعی‌اند نیز از این الگو پیروی نموده‌اند. برای مثال در آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲) و آیه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶) ارتباط میان کفران نعمت، فقر، ترس و همچنین ارتباط میان فسق و نابودی بیان شده و در هر دو آیه، نتایج مترتب بر رفتارهای ذکر شده با «فاء تفریع» یا به تعبیر دیگر در قالب «جمله تفریعیه» بیان شده است.

جمله رجائییه

در بخشی از آیات قرآن، که در صدد بیان ارتباط دو چیز برآمده‌اند، لفظ «لعل» به کار رفته است. این لفظ اگرچه در ظاهر ممکن است مشعر به عدم قطعیت پنداشته شود، اما سیاق آیاتی که ارتباط میان دو امر را با این واژه بیان کرده است، قطعیت را می‌رساند. برای نمونه، می‌توان

به آیات ۳۵ مائده و ۱۰ زخرف اشاره کرد. در آیه اول، رابطه میان ایمان، تقوی، جهاد، تمسک به راه‌های منتهی به حق و رستگاری انسان‌ها بیان شده است. اَشْیَاقِ آیه نشان می‌دهد که موارد ذکر شده، در رستگاری انسان نقش تعیین کننده دارد. همچنین در آیه دوم خداوند متعال می‌فرماید: « وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ »؛ یعنی انبیاء برای هدایت انسان‌ها است و انسان‌هایی که به آنان اقتداء نمایند، قطعاً رستگار می‌شوند.

جمله غائیه

گاهی در آیات چیزی غایت و منتهی‌الیه چیزی دیگر معرفی می‌شود. در این گونه آیات، رابطه فعل و غایت یک رابطه قطعی و تغییر ناپذیر است. در چنین آیاتی از کلمه «حتی» استفاده شده است. آیه‌های معروف و مشهور تغییر را می‌توان نمونه بارز این نوع برشمرد. در آیات مذکور، تغییرات به وجود آمده در جهان تابع اراده انسان ذکر می‌شود. به عبارت دیگر، تغییرات نتیجه خواست و ایجاد تغییر توسط انسان‌ها قلمداد شده است. همچنین خداوند در آیه ۹۶ آل عمران چنین می‌فرماید: « لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ »، یعنی میان «خیر و نیکی» و «انفاق» ارتباط وجود دارد. هرگاه انفاق صورت گیرد، خیر نیز شامل حال انفاق کنندگان خواهد گردید.

شاخص‌سازی مفاهیم کیفی

مفاهیم به کار رفته در سنت‌ها، اعم از مفاهیمی که در جایگاه علت قرار گرفته‌اند و یا مفاهیمی که به عنوان معلول مطرح شده‌اند، مفاهیم عام، کلی و بعضاً انتزاعی اند. مثلاً مفهوم «هلاکت»، «نزل برکات»، «حق»، «باطل» و «رستگاری» مفاهیم کلی و انتزاعی اند. انتزاعی و کلی بودن مفاهیم به این معنا است که مفاهیم مذکور به راحتی به رفتار، نگرش و رخدادی مشخصی قابل تقلیل نیستند و احتمالاً برای هر کدام معانی و صور گوناگون و در فرهنگ لغات، در تلقی عامیانه و عرفی وجود دارد. هنگامی می‌توان از روابط میان آنها سخن گفت که برداشت مشخص و قابل فهم از آنها داشت و هنگامی می‌توان از دل سنت‌ها راهکارهای عملی و کاربردی استخراج نمود و در زندگی جمعی انسانی به کار بست که برای عموم مردم، عناصر و پدیده‌ها را «مشاهده‌پذیر» سازیم.

در روش تحقیق برای قابل فهم ساختن مفاهیم انتزاعی، شاخص‌سازی پیشنهاد شده است. «شاخص» نشانه‌های عینی، قابل شناسایی و قابل اندازه‌گیری ابعاد مفهوم هستند. «شاخص‌سازی و یا مفهوم‌سازی پائالایش و مشخص کردن مفاهیم مجرد (انتزاعی) است. ۴۲ این‌رو، شاخص‌سازی فرایندی است که طی آن، مفاهیم عام و کلی به مفاهیم قابل فهم‌تر و خاص‌تر تجزیه می‌شود و این فرایند تا مشاهده پذیر ساختن مفهوم ادامه می‌یابد.

روش‌های تجزیه مفاهیم

تجزیه و شاخص سازی مفاهیم به کار رفته در آیات سنت، ضرورت انکار ناپذیر دارد. اما در اینکه چگونه و با چه روشی مفاهیم قرآنی را تجزیه کنیم جای تامل دارد. برای تجزیه مفاهیم قرآنی می‌توان از چند روش استفاده کرد:

مراجعه به کتب لغت

یکی از راه‌های مرسوم برای فهم معانی واژگان قرآنی، مراجعه به کتاب‌های لغت است. بر اساس این روش، هرگاه مفسر با مفهوم یا اصطلاح گنگ و چند پهلو برخورد کند، با پیدا کردن معنای لغوی آن، رفع ابهام می‌کند. البته باید به فرهنگ‌های لغتی مراجعه نماید که از اتقان لازم برخوردار بودند و به طور جدی و همه جانبه به بررسی واژه‌ها و موارد کاربرد آنها پرداخته باشد.^{۵۶}

مراجعه به روایات تفسیری

راه دیگر فهم مفاهیم و اصطلاحات قرآنی، همچنین مفاهیم به کار رفته در آیات سنت، استفاده از روایات تفسیری است. بسیاری از روایات در بیان آیه و توضیح و تفسیر آن صادر شده‌اند. از این رو یکی از نقش‌های کلیدی روایات خصوصاً روایاتی که در زمان نزول و یا دورانهای نزدیک به آن صادر شده‌اند، کمک به فهم مفاهیم و واژگان قرآن است.^{۵۷}

استفاده از آیات

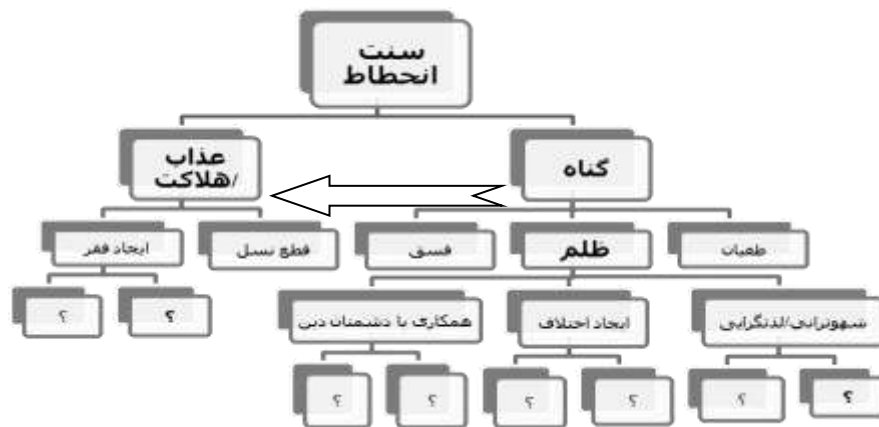
از روش‌های معتبر برای فهم مدلول و معنای مفاهیم مبهم به کار رفته در آیات، کمک گرفتن از آیات قرآن است. این روش، که در میان مفسران به «تفسیر قرآن به قرآن» مشهور است، آیات را مبین همدیگر و مفسر یکدیگر می‌داند. روش مذکور مورد نظر پیامبر اکرم ﷺ اولین مخاطب قرآن، امامان معصوم ﷺ و بسیاری از مفسران از جمله مفسر بزرگ معاصر مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» بوده است. روایاتی زیادی این روش را تأیید نموده‌اند. از جمله اینکه حضرت علی ﷺ می‌فرمایند: «آیات یکدیگر را تفسیر نموده و برهمدیگر شهادت می‌دهند».^{۵۸} استفاده از روش قرآنی برای فهم مفاهیم قرآن یا تجزیه مفاهیم قرآن مناسب‌تر از دو روش قبلی است؛ زیرا قرآن در مجموعه واحد از طرف گوینده واحد برای هدف واحدی آماده شده است. این خصوصیت، تفسیر قرآن به قرآن را یک اقدام ضروری برای فهم آیات و معانی کلمات قرار می‌دهد.^{۵۹}

نمونه‌ای از شاخص سازی قرآنی مفاهیم سنت

همچنان‌که بیان شد، مفهوم سازی یا شاخص سازی به این دلیل ضرورت دارد که مفاهیم به کار رفته در آیات سنت، از نوع مفاهیم کیفی، عام، کلی و بعضاً انتزاعی است. یکی از سنت‌های

قرآن، «انحطاط» و نابودی اقوام پیشین است. در این سنت، تأکید شده است که «گناه» موجب «هلاکت» اقوام پیشین گردیده است. مفهوم «ذنب» یا «گناه»، معانی و تعاریف گوناگون دارد. گناه در برداشت عامه و تلقی عرفی معنایی دارد و در فقه معنای دیگر و در اخلاق نیز معنایی دیگر. گناه از منظر حقوقی یک بارمعنایی خاصی دارد که ممکن است از منظر روان‌شناختی و مطالعات اجتماعی این معنا را نداشته باشد. در هر صورت برای فهم معنا و حقیقت گناه لازم است آن را تجزیه کنیم. وقتی سراغ آیات را می‌گیریم، شاخص‌های ذیل به دست می‌آید. از آیه‌های «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (قصص: ۵۹) و «هَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۷) چنین به دست می‌آید که، اقوام هلاک‌شونده «ظالم» بوده‌اند.^{۶۱} همین‌طور از آیه‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه فجر به دست می‌آید که گناه اقوام گذشته، «طغیانگری» بوده است. از این‌رو، می‌توان مفهوم «ذنب» را به «ظلم» و «طغیانگری» تجزیه کرد. مفهوم ظلم و طغیانگری کلی و عام و دارای جهات گوناگون است و برای فهم پذیر ساختن آنها باید باز هم عمل تجزیه را تکرار نمود. مثلاً در تجزیه مفهوم «ظلم» از طریق آیات، به این نتیجه رهنمون خواهیم شد که «ظلم» مفهومی است که ناظر به رفتارهای خاصی همچون «اتراف»؛^{۶۲} شهوترانی و لذت‌گرایی، «ایجاد اختلاف»^{۶۳} و «همکاری با دشمنان دین»^{۶۴} می‌باشد. این مفاهیم را باز هم می‌توان تجزیه کرد. اما آنچه اهمیت روش شناختی دارد، این است که ما در فهم مفاهیم «فرایندی» از مفهوم سازی یا تجزیه مفاهیم بهره گرفتیم که به کمک آن، مفاهیم به رفتارهای مشاهده پذیر نزدیک‌تر شده است. فرایندی که روش‌شناسان علوم اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی روش‌شناختی پذیرفته و اصطلاح «قیف مفهومی» و یا «غربال مفهومی» را برای آن وضع کرده‌اند.

سطح انتزاعی مفاهیم



سازوکار تاثیر پدیده‌ها بر یکدیگر

رخداد‌های اجتماعی تحت تاثیر علل و عواملی به وقوع می‌پیوندند. اما رابطه علل با رخداد‌های اجتماعی رابطه مستقیم و بی واسطه نیست، بلکه ممکن است در تحقق پدیده یا رخداد اجتماعی علل و عوامل با واسطه‌های چند تاثیر بگذارد. البته ویژگی مذکور مختص پدیده‌های اجتماعی نیست، بلکه سایر پدیده‌ها نیز چنین‌اند. ویژگی یادشده در کتاب‌های روش شناختی تحت عنوان «میکانیسم علی» مطرح شده است. «میکانیسم علی به مجموعه اتفاقاتی اشاره دارد که علت را به معلول پیوند می‌زند.»^{۱۸} لژر سازوکار علی، علل دور از ذهن و با واسطه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

سنت‌های اجتماعی نیز از مجموعه عللی پیچیده، پنهان و بعضاً دور از ذهن برخوردار هستند. لحن سنت‌های اجتماعی چنین است که خداوند علت تحقق تمام سنت‌ها است، اما این گفته به هیچوجه به معنای دخالت نداشتن پدیده‌های دیگر نیست، بلکه «وقتی سخن از یک سنت الهی می‌گوییم، مراد این نیست که که فلان فعل خاص مستقیماً و بیواسطه از خدای متعال صادر می‌شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری، اعم از طبیعی و عادی و فوق طبیعی و غیبی در کار آمده باشند.»^{۱۹} سوی دیگر، وقتی مطالعه عوامل اجتماعی یک رخداد در دستور کار قرار می‌گیرد، بدین معنا نیست که خداوند در تحقق آن نقشی نداشته است. از این‌رو، آیات سنت‌های اجتماعی با وسعت نظر، به تمام علل و عوامل اعم از طبیعی، اجتماعی و ماورایی توجه نموده است.

سازوکارهای طبیعی

از جمله عواملی که تأثیر آن در قالب سنت‌ها مورد توجه قرار گرفته است، عوامل طبیعی است. در بسیاری از آیات مجرای تحقق سنت یک رخداد طبیعی بیان شده است. برای مثال، در سنت استهلاک، یکی از راه‌های هلاکت اقوام، هلاکت از طریق حوادث طبیعی یا در قالب حوادث طبیعی معرفی شده است. در آیه‌های ۳۳ و ۴۱ و ذاریات، ۱۷۳ شعراء، ۵۵، اعراف و ۷۴ حجر نحوه هلاکت اقوام بیان گردیده است. طوفان شن، بادهای کشنده، باران شدید و زلزله حوادثی‌اند که زمینه‌ساز هلاکت اقوام شناخته شده‌اند.

سازوکارهای اجتماعی

یکی از سازوکارهای پیش‌بینی شده در قرآن، مجاری اجتماعی تحقق رخدادها است. سازوکار اجتماعی، به علل و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر رخداد معطوف خواهد بود. در آیات قرآن،

عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، در آیه ۱۱۲ نحل فقر و اضطراب، فردی و اجتماعی، به حیث مجرای سنت استهلاک معرفی شده است. فقر و اضطراب به قرینه «قریه»، که در صدر آیه ذکر شده است، یک پدیده اجتماعی‌اند. همچنین فسق در آیه ۱۶ اسراء به رفتار فاسقانه‌ای اشاره دارد که مترفین مرتکب شده و همین امر سبب هلاکت آنها می‌گردد. فسقی که مترفین، لذتگرایان و شهوترانان، مرتکب می‌شوند، بعید است معنایی غیر از اسراف در نعمت‌ها و پیروی از سبک زندگی تجملاتی و متکی بر لذت‌های شهوانی و حیوانی برای آن تصور کرد. به هر حال، اگر فسق به رفتار ذکرشده قابل تفسیر باشد، می‌توان به عنوان سازوکار اجتماعی در تحقق سنت معرفی کرد.

سازوکارهای الهی - ماورایی

سومین دسته از عللی که در تحقق سنت مورد توجه قرار گرفته است، علل و عوامل غیبی، ماورایی و الهی است. چنانچه اشاره شد، یکی از خصیصه‌های بارز سنت‌ها، که آن را از بقیه قوانین اجتماعی متمایز می‌سازد، تکیه سنت بر عوامل غیبی و ماورایی است. در قرآن کریم وقتی سخن از عوامل غیبی به میان می‌آید، تعبیر «من حیث لایشعرون»^{۷۰} به کار برده می‌شود. برای دخالت عوامل ماورایی و الهی در شکل‌گیری رخدادهای تاریخی و اجتماعی، مؤیدات قرآنی فراوانی به چشم می‌خورد. نسبت تمام سنت‌ها به خداوند متعال، به معنای نقش چشمگیر سازوکارهای الهی - ماورایی در ایجاد سنت است. علاوه بر مورد ذکر شده، گاهی یک رخداد عادی به فرشتگان نسبت داده می‌شود. برای مثال، در آیه «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ»، (یس: ۲۸) فرشتگان به عنوان عامل هلاکت اقوام ذکر می‌شود. همچنین در آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ» (قمر: ۳۱) «صیحه» به معنای ندای آسمانی تفسیر شده است؛ ندایی که جبرائیل (ع) برای هلاک اقوام می‌دمید.^{۷۰}

نتیجه‌گیری

مطالعه روشمند سنت‌های اجتماعی وابسته به این است که اولاً، وجه اجتماعی بودن سنت‌ها را معین کنیم. ثانیاً، قلمرو مطالعه خود را به سنت‌های استنباطی سرایت داده و مطالعه خود را بر پایه سنت‌های نخستین و سنت‌های اختیاری سامان بخشیم. باتوجه به اینکه بسیاری از متغیرها و مفاهیم ذکر شده در سنت‌ها کیفی هستند، روش‌های کیفی برای مطالعه آن مناسب‌تر از روش‌های دیگر خواهد بود. همچنین از آن رو که سنت‌ها از خاستگاه و پشتوانه غیبی و ماورایی برخوردار بوده و متکی بر متون دینی است، روش «تحلیل محتوی»، آن هم روش «تحلیل ساختاری» قابلیت بیشتر برای مطالعه آنها را دارد. تحلیل

ساختاری بیش از همه به طرح یک چارچوب انتزاعی نیازمند است؛ چارچوبی که در قالب آن متون، ساخت یافته و فهم پذیر شود. چارچوبی برای مطالعه سنت‌ها مطلوب است که آیات قرآن آن را پیش‌تیبانی نموده و عناصر آن را موجه سازد. براساس آیات قرآن، چارچوب مطالعه سنت عناصر چهارگانه ۱. خداوند به عنوان تکوینگر ۲. انسان به عنوان زمینه ساز ۳. رابطه علی و معلولی میان پدیده‌ها به عنوان موضوع و ۴. سازوکارهای علی به عنوان فرآیند تحقق می‌باشد. از این رو، مطالعه سنت‌ها اولاً، حضور خداوند در سلسله علل را توجیه می‌کند. ثانیاً، نقش انسان را در شکل‌گیری سنت باز می‌شناسد. ثالثاً، رابطه علی میان دو پدیده را مورد توجه قرار می‌دهد و رابعاً سازوکارها و فرآیند تحقق سنت را نیز مورد کاوش قرار می‌دهد.

در مطالعه روشمند سنت، علاوه بر طرح چارچوب، تجزیه مفاهیم نیز لازم است. تجزیه مفاهیم به فهم مفاهیم کلی، انتزاعی و دارای ابهام کمک می‌کند. برای تجزیه مفاهیم، بهترین روش، روش تفسیر قرآن به قرآن است که بر اساس آن، مفاهیم علی و معلولی شناسایی شده در سنت را با آیات دیگر تجزیه نموده مشاهده پذیر می‌سازیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابن الاثیر، *النهایه فی غریب الحدیث والایثر*، ج ۲، ص ۴۰۹.
۲. محمدرضا مظفر، *اصول الفقه*، ج ۲، ص ۶۱.
۳. شهید اول مستحبات وضو را با عبارت «السننه السواک والتسمیه... والمضمضه و...» بیان می‌فرماید. و همچنین امام رضا^ع در نامه‌ی غسل روزجمعه، عیدین، زیارت و... را مستحب دانسته و کلمه «سنه» را به کار می‌برند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. شهیدالاول، *اللمعه الدمشقیه*، دارالفکر، ۱۴۱۱، ص ۱۷؛ شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۳، ص ۳۰۵.
۴. فضل ابن حسن طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۴۱.
۵. ماکس وبر این معنا را در ذیل «کنش سنتی» و «اقتدار سنتی» برای «سنت» در نظر می‌گیرد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ماکس وبر، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه احمدصدارتنی؛ ریچون آرون، *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*، باقریهام، ص ۵۶۷.
۶. محمدتقی مصباح یزدی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، ص ۴۲۵.
۷. حمید پارسانیا، *سنت، ایدئولوژی، علم*، ص ۱۲.

ASocial tradition

۹. آک برن و نیم کوف، *زمینه‌جامعه‌شناسی*، ا.ح. آریانپور، گستره، ص ۱۶۹.
۱۰. محمدحیثور، *سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها*، ص ۱۲.
۱۱. سید محمدباقر صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۷۰.
۱۲. محمود رجبی، «قانونمندی جامعه و تاریخ»، *تاریخ درآیین پژوهش*، ش ۲، ص ۳۰.
۱۳. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ». و «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ».
۱۴. احمد حامد مقدم، «سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم»، *مشکوٰه*، ش ۱۱، ص ۲۷.

BSocial object

۱۶. جولیبوس گولد، ویلیام ل. کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ص ۸۲۰.
۱۷. مثل آیه «أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبِعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» دخان آیه ۳۷.

CSollective behavior

۱۹. آک برن و نیم کوف، همان، ص ۱۸۱.
۲۰. سید محمدباقر صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۷۰.
۲۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، *اصول فلسفه رئالیسم*، ص ۲۰۵.
۲۲. ماکس وبر، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ص ۵۰.
۲۳. *فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ آلِ عِمْرَانَ آيَةَ ۱۳۷. فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ* * سوره حشر آیه ۲. و آیه‌های ۱۱۳ آل عمران، ۱۱ انعام، ۶۹ نحل، ۲۰ عنکبوت، ۴۲ روم ۱۸ سبأ.
۲۴. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» رعد آیه ۱۷. و «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» اسراء آیه ۸۱.
۲۵. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمَ اللَّهُ فَأَدَأَفَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ
۲۶. «سُنَّةٌ مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا»
۲۷. «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»

۲۸. نمونه‌های زیادی از آیات حامل سنتها به صورت قضیه شرطیه بیان شده است مثل آیه ۱۶ اسراء، ۱۱ ارعد، ۱۶ جن
۲۹. سید محمدباقر صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۷۸.
۳۰. محمد هیشور، *سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها*، ص ۲۷.
۳۱. Qualitative variable
۳۲. باقر ساروخانی، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱، ص ۱۲۵.
۳۳. Qualitative method
۳۴. Edgar F. Borgatta, *Encyclopedia of sociology*. Macmillan reference USA, v.4, p. 2287.
۳۵. آنسلم استراس، *جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه، بیوک محمدی، ص ۱۹.
۳۶. باقر ساروخانی، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۲، ص ۳۰۱.
۳۷. همان، ص ۲۹۷.
۳۸. سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۴.
۳۹. Structural analyses
۴۰. ریمون کبوی و لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، توتیا، ص ۲۴۰.
۴۱. همان.
۴۲. احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳.
۴۳. انعام: ۶؛ یونس: ۱۳؛ مریم: ۹۸.
۴۴. همان.
۴۵. سیدمحمدباقر صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۵۸.
۴۶. محمدتقی مصباح، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، ص ۴۲۶.
۴۷. احمد مرادخانی تهرانی، *سنت‌های اجتماعی الاهی در قرآن*، ص ۱۰۶.
۴۸. سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۱، ص ۱۰۰.
۴۹. مرتضی مطهری، *آشنایی با قرآن*، ص ۵۰.
۵۰. رک، سیدمحمدباقر صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۶۱-۶۵؛ محمود رجبی، *قانونمندی جامعه*، ص ۳۷-۳۸.
۵۱. برای تحقیق در این زمنه رک: محمدتقی مصباح، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، ص ۱۱۳-۱۶۱؛ محمود رجبی، «قانونمندی جامعه و تاریخ»، *تاریخ در آیین پژوهش*، ش ۲؛ مرتضی مطهری، *آشنایی با قرآن*، ص ۵۰-۵۲.
۵۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّبِعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
۵۳. ریمون کبوی و لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ص ۱۲۲.
۵۴. «شاخص‌سازی» و «مفهوم‌سازی» دو طیف یک پیوستار است. بازخوانی مصادیق در قالب مفاهیم بزرگتر مفهوم‌سازی و تجزیه مفاهیم کلی به عناوین جزئی‌تر شاخص‌سازی نامیده می‌شود.
۵۵. ارل بی، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، ج ۱، ص ۲۹۲.
۵۶. علی اکبر بابایی و دیگران، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، ص ۲۹۷.
۵۷. همان، ص ۲۸۸.
۵۸. *نهج البلاغه*، ص ۱۹۲.
۵۹. دکتر سیدرضا مؤدب، *روش‌های تفسیر قرآن*، ص ۱۷۰.
۶۰. در آیه «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قُرُونٍ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ» پدیده علی گناهان به حساب آمده است و اثر و نتیجه‌ای که بر آن مترتب شده است هلاکت و نابودی گناهکاران اقوام گذشته است.
۶۱. حج: ۴۵؛ کهف: ۵۹.

۶۲. الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ * فَاكْتُرُوا فِيهَا الْفَسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ

۶۳. استنباط شده از آیه «وَاتَّبَعَ الَّذِينَ الظَّالِمُونَ مَا اتَّبَعُوا فِيهَا»

۶۴. استنباط شده از آیه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا»

۶۵. استنباط شده از آیه «إِنَّمَا يَنْتَظِرُ اللَّهُ عَنْ الَّذِينَ قَاتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

۶۷. causal mechanism

۶۸. Daniel Little, VARIETIES OF SOCIAL EXPLANATION, Westview Press, 1991, P.15.

۶۸. محمدتقی مصباح، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، ص ۴۲۶.

۶۹. در آیات ۴۵ و ۲۶ نحل، ۲۵ زمر «من حیث لایشعر» به کاررفته است و در آیات ۵۳ عنکبوت ۲۰۲ شعراء «وهم لایشعرون» به

۶۹. رفته است که هر دو درصدد توجه دادن به امور فوق تصور و درک انسان است.

۷۰. ملامحسن فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۴، ص ۲۵۲.

منابع

- آک برن و نیم کوف، *زمینه جامعه شناسی*، ا.ح. آریانپور، گستره، ۱۳۸۰.
- ابن الاثیر، *النهایه فی غریب الحدیث والاثر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین، *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه، بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم ۱۳۸۷.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، *روش شناسی تفسیر قرآن*، تهران، سمت و پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، چ دوم، ۱۳۸۵.
- بی، ارل، *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت، چ دوم، ۱۳۸۴.
- پارسانیا، حمید، *سنت، ایدئولوژی، علم، قم، بوستان کتاب*، ۱۳۸۶.
- حامد مقدم، احمد، «سنت های اجتماعی در قرآن کریم»، *مشکوٰه*، ش ۱۱، تابستان ۱۳۶۵، ص ۲۷ - ۴۴.
- رجبی، محمود، *قانونمندی جامعه و تاریخ*، فصلنامه، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۳ - ۶۴.
- ریمون آرون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، چ هفتم، ۱۳۸۴.
- ساروخانی، باقر، *روش های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چهاردهم ۱۳۸۷.
- محمدبن مکی عاملی، *اللمعه الدمشقیه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱.
- الصدر، السیدمحمدباقر، *المدرسه القرآنیه*، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *اصول فلسفه رئالیسم*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- طبرسی، فضل ابن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴.
- فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، تهران، الصدر، بی تا.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا، ۱۳۸۵.
- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ویراستار محمدجواد زاهدی مازندارانی، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.
- مؤدب، سیدرضا، *روش های تفسیر قرآن*، قم، دانشگاه قم، چ سوم ۱۳۸۶.
- محمدیهشور، سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها، قاهره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷.
- مرادخانی تهرانی، احمد، *سنت های اجتماعی الاهی در قرآن*، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۸.
- مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، تهران، صدرا، چ پنجم ۱۳۷۰.
- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- وبر، ماکس، *مفاهیم اساسی جامعه شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷.

Borgatta , Edgar F. , **Encyclopedia of sociology**, Macmillan reference USA.V.4.

Little ,Daniel, **Varieties of social explanation**, Westview Press , 1991.